

اتفاقی خوب که در هفته کتاب و کتاب‌گردی رقم خورد

تبدیل کتاب‌فروشی‌ها به پاتوقی فرهنگی



افسانه فرقدان

به نفع کتابخوانی در معابر شهری از وظایف شهرداری به‌عنوان نهادی است که مستقیماً با پرداخت مالیات‌های مردمی اداره می‌شود. علاوه بر آن شورای شهر نیز در اجرا و همکاری با شهرداری نهاد مؤثری در فرهنگ‌سازی و ارتقای فرهنگ کتابخوانی در شهر تحت‌نظارت خود است.

بنابراین ارتباط تنگاتنگ مردم و شهرداری و شورای شهر عامل مهمی در دست یافتن به این امر است. چند سال اخیر یکی از همین اقدامات مؤثر شورای شهر، در نظر گرفتن هفته‌ای تحت‌عنوان هفته کتابخوانی بوده است که در آن ناشران، نویسندگان و مترجمان و مخاطبان جدی کتاب با برخی از اعضای شورای شهر دور هم جمع می‌شوند و به کتابفروشی‌ها سر می‌زنند و در واقع نوعی دید و بازدید از ناشران و خانواده هر نشر، متشکل از نویسندگان و مترجمان اتفاق می‌افتد. هفته کتاب و کتاب‌گردی می‌تواند بهانه‌ای برای تخصیص دادن فرصت و زمان باشد تا میان مشغله‌های روزمره،

هفته کتاب فرصت مناسبی است برای طرح مشکلات ناشران و مخاطبان از فاصله نزدیک تا بتوان به راه‌حلی مناسب برای حل معضل کتابخوانی یافت

مردم به کتابفروشی‌ها بروند و شاید آمار فروش کتاب که در سید خانوار هانیز در قعر جدول قرار دارد، تکانی بخورد. بالاتر برود. دیدار با نویسندگان و مترجمان محبوب مخاطبان اگر چه می‌تواند اتفاقی خوشایند برای تشویق مخاطبان کتاب باشد، اما گپ و گفت با بنیان‌های مهم پرنوسان اقتصادی می‌تواند در درو قرار دادن دو کفه ترازوی این بخش از فرهنگ، یعنی ناشران و مشتریان آن‌ها، فضای ملموس‌تری برای درک شرایط ناشران و آگاهی از روند تغییر قیمت‌های کتاب به دست مخاطب ناراضی دهد. علاوه بر آن هفته کتاب فرصت مناسبی است برای طرح مشکلات

ناشران و مخاطبان از فاصله نزدیک تا بتوان به راه‌حلی مناسب برای حل معضل کتابخوانی یافت تا کتاب را به‌عنوان کالایی جدی و ضروری در ذهن مردم جای بگیرد. هفته کتاب و کتاب‌گردی ایجاد فرهنگی درست و اصولی است تا کتاب‌فروشی‌ها به‌عنوان پاتوقی برای جوانان محسوب شوند و مکانی ثابت در برایش گذراندن اوقات فراغت حتی بازنشستگان به‌جای گذران وقت در پارک‌ها و کافه‌ها باشند. هفته کتاب فرصتی برای آشنایی بین کتاب و مردم است که در مشغله‌های روزمره و سرگرم شدن با گوشی‌های هوشمند و فضاهای مجازی، به حاشیه زندگی مردم جهان معاصر رانده شده است. هفته کتاب، از حاشیه به متن راندن کتاب، در زندگی انسان معاصر مدرن شده، است که با بی‌درایتی جاییش را با مطالب مبتذل و تقلبی عوض کرده‌ایم.

پیش از آن که کتاب‌ها به گوشه انبارها رانده شوند...

کمبود وقت و بی‌حوصلگی زندگی معاصر و دیجیتالی شدن زندگی‌ها به تمامی انواع هنر لطمه‌های جبران‌ناپذیر وارد کرده است؛ تبدیلی مغرط و گریز از خارج شدن از کنج دنج خانه‌هایی که همه امکانات رفاهی بدون نیاز به خروج از خانه فراهم می‌شود، سالن‌های تأثیر و سینما و کتاب‌فروشی‌ها را به مکانی بدون مخاطب و خلوت تبدیل کرده و



هفته کتاب و کتاب‌گردی و دید و بازدید ناشران و کتاب‌فروشی‌ها اقدامی در جهت حفظ و نگهداری کتاب‌فروشی‌ها و بازگرداندن کتاب به متن زندگی مردم است، به شرط آن که مانند بسیاری کارهای دیگر، تنها به هفته‌ای سمبلیک تبدیل نشود

به کتاب‌فروشی‌های می‌تواند به تعاملات فرهنگی انسان‌های مدرن کمک کند تا از بیش از حد به‌انزوا کشیده شدن انسان معاصر جلوگیری کند؛ انزوا و تنهایی‌ای که حادثه ناگواری در سراسر دنیاست و به دور شدن و به غار برگشتن انسان امروز منجر شده است. سردرگمی و عدم تفکر در جوامع، به‌ویژه جوامع جهان سوم نتیجه مستقیم ورود سرگرمی‌های غیر مفید دیجیتالی است که به آگاهی و اندیشیدن مردم در این جوامع لطمات جبران‌ناپذیری وارد کرده است. شوربختانه تکنولوژی شکل افراطی و آسیب‌زننده‌اش را برای جوامع کشورهای جهان سوم بیشتر از تولیدکنندگان آن، به ارمان آورده است.

بنابراین هفته کتاب و کتاب‌گردی و اقدامی در جهت حفظ و نگهداری کتاب‌فروشی‌ها و بازگرداندن کتاب به متن زندگی مردم است، به شرط آن که مانند بسیاری کارهای دیگر، تنها به هفته‌ای سمبلیک تبدیل نشود. به شرط آن که تمام هفته‌ها را به این هفته بپیوند بزنند، به شرط آن که مسئولان دولتی رابه انجام وظایفشان و ادار کنند تا چرخ‌های معیوب صنعت نشر همچنان بچرخد و در این بحران کمبود و گرانی کاغذ، کتاب‌ها به گوشه انبارها رانده نشوند.

آفرینش و سبب‌های گردش گیتی در تکاپو هستند، گیل نشده یاد جاهای خود نگرفته است، اما به هر تقدیر، سبک نگارش و سیباق تفکر مذهبی آن‌ها به‌طریق غیر قابل انکاری سومری است.

سر اینده حماسه، از همان نخستین سطرها اعلام می‌کند که می‌خواهد به تفصیل سرودی پهلوانی سازد. اگر بپذیریم که لوح دوازدهم به‌طور قطع بعد‌ها به منظومه افزوده شده است، تاحدودی می‌توان قبول کرد که لوح دوازدهم با تکرار سطور ابتدای حماسه به پایان رسد. وحدت موضوع، وحدت عناصر روان‌شناختی نیز هست. گیل‌گمش در طول تمام حوادثی که به‌وجود می‌آورد یا با آن‌ها درگیر می‌شود، با تحرک عمیق و روحیه مقاومتی دست به عمل می‌زند که مطلقاً در منابع سومری وجود ندارد. شاعر گیل‌گمش از نژاد سامی است و با آزادی کامل پاره‌های چیزها را می‌گیرد و پاره‌های را کنار می‌گذارد و بعد برای غنابخشیدن به تارهای حماسه، بر اساس طرحی که برای پیشبرد اندیشه خود ریخته است، عناصر انتخابی‌اش را گرد می‌آورد.

غمنامه گیل‌گمش در اصل، تذکاری عمیق از سرگذشت آدمی و گذار وی از خرافات مطلق به واقعیت‌نسیب است. قهرمان این منظومه در سفرهای دراز به کشورهای دور دست می‌رود، خدایان در امور انسان‌ها دخالت می‌کنند، غول‌های نامدار شکست‌ناپذیر و غریب‌ها و آفرینه‌های فراطبیعی‌ای که قهرمان آن‌ها را به خاک و خون می‌کشد یا شکست‌شان می‌دهد، مخاطراتی که بر آن‌ها فائق می‌آید یا مبارزاتی که از سر می‌گذراند، در گسترش الواح دوازده‌گانه در برابر سنت‌های غیر قابل قبول قرار می‌گیرد.

به‌قول دکتر صفوی: «در افسانه پهلوانی او داستان زندگی هر بشر اندیشمند را می‌توان بازخواند. و همین هماهنگی با زیست‌آدمیان امروزی که هنوز هم برای دریافتن رازهای

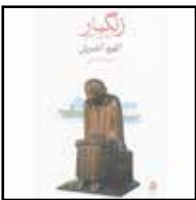
چاپ: کار و کارگر ۶۶۸۱۷۳۱۷
نشانی تحریریه: تهران، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه نرسیده به روانمهر، پلاک ۱۳۲
تلفن تحریریه: ۰۲۱)۶۶۹۵۶۶۰۰
toseirani.ir

یادداشت

یادداشتی بر کتاب «زنگبار» روایت فاشیسم و نژادپرستی در تاریخ

رمان «زنگبار» اثر آلفرد آندرش با ترجمه سروش حبیبی که نشر ماهی منتشر کرده است، روایتی از فاشیسم، جنگ و نژادپرستی در بستری تاریخی است.

آلفرد آندرش، نویسنده سرشناس آلمانی است که متأسفانه در ایران کمتر شناخته شده است. آندرش در دهه ۶۰ و ۷۰ میلادی بسیار پرکار بود و بیشتر آثارش را در آن سال‌ها نوشت. اگر چه عامل شهرت و سستایش وی، نخستین رمان شاهکارش به‌نام «زنگبار» بود که در سال ۱۹۷۵ منتشر شد و بسیاری را شیفته خود کرد. منتقدان ادبی، آندرش را از بنیانگذاران ادبیات مدرن در آلمان و هم‌رده هاینریش بل و گونتر گراس می‌دانند. آندرش در جوانی هم‌زمان با کار در یک کتابفروشی، روزنامه‌نگاری می‌کرد. با تغییرات ناگهانی در سیاست دهه ۳۰ در آلمان و به قدرت رسیدن حزب نازی، آندرش مانند بسیاری دیگر در ابتدا ممنوع‌القول شد، سپس بازداشت شد و در نهایت سر از اردوگاه کار اجباری در آورد. آندرش به‌عنوان یک کمونیست حتی در زندان نیز دست‌از مبارزه برنداشت. او را به زور به جبهه فرستادند، از جبهه ایتالیا فرار کرد و از بخت مساعدش به دست آمریکایی‌ها سرباز شد و از جنگ جان به‌در برد. در تاریخ ادبیات، هیچ موضوع و پدیده‌ای به اندازه جنگ که منجر به نویسندگان نبوده است. بسیاری از آثار مشهور و بزرگ ادبی‌یاد در دوران و بستر جنگ روایت می‌شوند یا در ترس از آغاز جنگ یا در باره پیامدهای جنگ.



داستان درخشان «زنگبار» در شرایط آغاز به قدرت رسیدن نازی‌ها و هیتلر در بندر کوچک و خلوت به‌نام «زریک» و در بازه زمانی یک شبانه روز اتفاق می‌افتد داستان با مضمونی متفاوت و بازوایه دید سوم شخص روایت می‌شود. مادر این رمان با چند شخصیت مختلف روبه‌رو هستیم که در طول داستان به دلیل ماجراجویی، ترس و یک مجسمه سرنوشت‌شان به یکدیگر گره می‌خورد. کشیش پروتستانی که کهنه‌سرباز جنگ جهانی اول است و با وجود نازی‌ها حضور خدشارا در جهان احساس نمی‌کند؛ یک ماهی‌گیر بددهن و بدخلق که میان مسائل سیاسی و زندگی شخصی سرگردان است؛ پسر جوان شجاع و کمونیستی که عشق کتاب و آزاداندیشی است؛ و در نهایت پسر نوجوانی که میل به کشف و جست‌وجو در جهان را دارد و تحت تأثیر هاکلبری‌فین و تام‌سایر است. «زنگبار» با وجود حجم اندک، کتاب بسیار قابل توجهی است. فضای اختناق سیاسی در این داستان به بهترین وجهی به‌صورت غیر مستقیم و با استفاده از توصیف عناصر محیط طبیعی شکل می‌گیرد. کمتر دیالوگ مستقیم سیاسی در کتاب وجود دارد، در حالی که موقعیت‌های پیچیده و سیاسی، همه شخصیت‌ها را درگیر کرده است. حضور پسر نوجوان و دختر در جای جای کتاب، لحن و بار عاطفی داستان را متناسب می‌کند. وجوه روانشناسانه و ادبی در طراحی شخصیت‌ها بسیار غنی است.

مضامین و نمادهای متأثر از کتاب مقدس در داستان بی‌شمار هستند. تردیدها در فعالیت سیاسی و تناقض مبارزه با زندگی شخصی به بهترین شکلی در بطن داستان قانع شده است. ایجاز و خست کلام نویسنده، مانع از توصیفات درخشان و دیالوگ و مونولوگ‌های قصار نشده است. عشق، نفرت، دروغ، ترس و نیت‌های والا و پست انسانی در درون شخصیت‌ها لحظه به لحظه تصویر می‌شود و تردیدهای افراد را در موقعیت‌ها، کاملاً لمس و با آن‌ها همذات‌پنداری می‌کنیم. کمتر داستانی را می‌توان یافت که این چنین ملتهب و در عین حال متناسب، عمیق و بی‌طرف باشد و در عین حال خواندنی و لذت‌بخش. زنگبار داستانی است لطیف و تأثیرگذار درباره شکل دادن به سرنوشت، وجدان انسانی، لزوم خیرخواهی و مبارزه با جباریت.

گیل‌گمش

ترجمه احمد شاملو، با تصویرسازی مرتضی ممیز، نشر چشمه

آین مصدق

منطقه بین‌النهرین از هزاره ششم تا هزاره اول پیش از میلاد، مهم‌ترین مرکز تمدن بشری بوده و پهلوان‌نامه گیل‌گمش به‌طور دقیق بزرگ‌ترین بیادگار مکتوب آن دوران است. هر چند این حماسه به‌تمامیت و کمال آثار کوتاه‌تر آن دوران نیست، به‌دلیل زبان فخیم و غنای مایه‌ها و درخششی که در سرتاسر دنیای تمدن مصر خود یافت، شایستگی آن را دارد که به‌مثابه گویاترین نماینده تعهد انسانی-اجتماعی شاعر یا شاعران گذرگاهی از تاریخ، مورد بررسی انتقادی قرار بگیرد. باید توجه داشت که پهلوان‌نامه گیل‌گمش در حقیقت نه محصول نقطه جغرافیایی ویژه‌ای است، نه دستاورد زمان مشخصی از شروع آن دوران پنج‌هزار ساله و نه حتی یادگار ملتی واحد. بلکه نتیجه اسطوره‌های سومری است که در مدتی پیش از هزار سال به یک سان در قلمرو آشوریان و بابلیان به شکوفه‌نشسته و مرزها را از همه سویی در نور دیده است و بی‌درنگ در قلمرو گسترده‌ای از فلسطین تا قلب آناتولی و دربار پادشاهان هیتی مورد ترجمه یا گرت‌تبرداری قرار گرفته است. کامل‌ترین متن آن که به ما رسیده، متنی است که بر الواحی از خشت نگاشته شده و آنگاه در کوره پخته‌اند. این مجموعه شامل دوازده لوح است؛ هر لوح مشتمل بر شش ستون پهلوار به‌صورت شعر است که ضمن کاوش در بقایای کتابخانه آشوبانی پال، پادشاه آشور به دست آمده است. هر یک از این دوازده لوح یادآور ده سروده، شامل شش ستون است در سیمصد سطر شعر، مگر آخرین لوح آن، که آشکارا

